

تکمله صفحه (لج) سطر چهارم

در آغاز مشروطه یکی از شاگردان قدیم ملکم^(۱) و بیوستگان به فراموش خانه او در تهران بتقلید از «اصول آدمیت» استاد خویش، بنام «اصول مدنیت» طرح نوی افکند که مشتمل بر همان مبادی و مبانی و افکار ملکمی بود و در حقیقت این دستگاه «مدنیت» را مقابل دستگاه «آدمیت» عباسقلیخان قزوینی ایجاد کرد ولی شنیده نشد که بانی «مدنیت» توانسته باشد نقشه خود را از فکر بمرحله عمل در آورد.

باری، در جزء چهارم از «مجموعه مدنیت» مؤلف بمناسبتی از میرزا ملکم خان یاد میکند و درباره فراموشخانه او که خود مدعی بستگی و بیوستگی بدانست چنین مینویسد:

«چهل و پنج سال قبل، بل بیشتر، در سنه هزار و دو و بیست و هفتاد و هفت میرزا ملکمخان در طهران فراموشخانه ای بنا کرده بود، قریب پانصد نفر هم شاگرد از پسران امرای و اعیان و فضلا و تجار و غیره از هر طبقه جمع شده مشغول درس تربیت و تهذیب اخلاق و تحصیل مراتب مدنیت و تکمیل شرایط و لوازم انسانیت و آدمیت بودند، نگارنده نیز شاگرد مدرسه و جزو تلامذه بود، فی الجمله اطلاعی داشت و بالنسبه طرف میل و واثوق بود و دو امتحان داده بود تا اینکه علمای عظام طهران متفقاً بمقام منع و تکفیر برآمدند و با هیئت اجتماع مدرسه و فراموشخانه را خراب کرده آتش زدند و با خاک یکسان نمودند و اساس را برچیدند همه شاگردها هم هر کدام به طرفی فرار کرده رفتند خود ملکم نیز فرار نموده به شاهزاده عبدالعظیم رفته آنجا متحصن گردید و از آنجا به فرنگستان رفت.»

۱ - این شخص میرزا محمدخان نام و ناظم دفتر لقب داشته و تبریزی بوده است. نوشته او خالی از کرافکومی و خیالبافی و افسانه پردازی نیست.

کتابچه غیبی

یا

دفتر تنظیمات

جرات بمقام راهنمایی دولت بر خیزید . علیلی مزاج شما و قرب اجل بجهت سکوت شما عذر کافی نیست . زیرا که همین حالت ظاهری شما بهترین مقوی اقوال شما خواهد بود لهذا بر غیرت و دولتخواهی شما لازم است که پیش از مایوسی بکدفعه کل قوای خود را جمع نمایید و يك شور آخری بمیان این وزرا بیندازید . شاید دردم آخر ، آتش قلب شما در قلوب ایشان تأثیری نماید . چون هنگام خطر بر هر يك از اهل کشتی لازم است که بقدر قابلیت خود در حفظ کشتی بکوشد ، لهذا بنده نیز که از عملجات این کشتی طوفان زده دولت هستم از طرح نجات این کشتی نمونه عرض کرده‌ام ، ولی هر چه باطراف نگاه میکنم ، میبینم زبان مرا بجز شما کسی نخواهد فهمید ، لهذا نمونه طرح خود را انفاذ خدمت جناب عالی میدارم .

اسم من بجهت دلیل بی غرضی مخفی خواهد ماند .

کتابچه‌را که ملاحظه خواهید فرمود بقسمی نوشته شده که یا باید مصنف آنرا اخراج بلد کرد ، یا آنکه اقوال او را با کمال احترام قبول نمود . جناب شما را در حکم این دو حالت مختار میسازم ، هر گاه جسارت مرا مستوجب تنبیه بدانید همان ساعت ایسم خود را بروز خواهم داد و اگر این جزئی حاصل زحمات چندین ساله مرا قابل التفات بشمارید ، تحسین غایبانه شما را بهترین اجر خود خواهم دانست . استدعائی که دارم این است که تا سه روز دیگر کتابچه‌را بنظر بندگان اقدس همایون شاهنشاهی^۱ روحانفاده برسانید و بحامل آن رد نمائید . تا چهار روز دیگر در هر صورت کتابچه بنظر همایون خواهد رسید^۲

۱ - ناصرالدین شاه .

۲ - اشاره بنفوذ و تأثیر مخفی خود در نزد بکان دربار پادشاهی میکند .

جناب مشیرالدوله

اشخاصی که شمارا شناخته اند تأسف دارند که شما پیر شده اید ولی تأسف من در این است که شما چرا خسته شده اید . قلوبی که بغیرت و تعصب سرشته باشند پیری ندارند ، پیری این نوع قلوب در خستگی و مایوسی است . دولت ایران بلا شك ناخوش خطرناک است و خستگی مثل شما طیب دلیل بر نهایت خطر است . بزرگان دولت ، بعضی بواسطه عدم لازمه شعور ، بر خطر حالت دولت ملتفت نیستند ، بعضی هم بواسطه نقص دولتخواهی جرات اظهار آنرا ندارند و غالباً در رفع امراض دولت غیر کافی بل بغایت ناقابل هستند . شما اولین شخص ایران هستید که بواسطه اطلاعات خارجه و کفایت ذاتی و اعتبار سن و سابقه دولتخواهی میتوانید بدون خطر بیان حقیقت نمائید و با کمال

۱ - مشیرالدوله میرزا جعفر خان مهندس تبریزی است که پس از قضیه هرات و بوشهر و عزل میرزا آقاخان نوری و تحول اوضاع سیاسی سمت ریاست دارالشورای دولتی ویا باصطلاح امروز ریاست وزرا را یافت و تا سال ۱۲۷۷ در این مقام باقی بود . ملکم در همین سالها دفتر غیبی را بوسیله ای خواسته بشاه که در نتیجه شکست بوشهر و تغلیبه هرات دستخوش تحول فکر و حاضر برای تغییر اوضاع شده بود برساند . مشیرالدوله که چند سال در انگلستان تحصیل کرده و غالباً با عنوان سفارت ممالک اروپا را دیده بود برای تبلیغ این کتابچه بنظر ملکم از وزرای دیگر مناسبتر آمده و این نامه را به او نوشته و عین آن را در مقدمه کتابچه غیبی افزوده است .

فراهم است. دولت ایران بلاحرف هرگز بهتر از امروز پادشاهی نداشته است. خیلی نعمت است که در يك ملتی شخص پادشاه هم بر حسب عقل طبیعی، هم بر حسب استحضار خارجی از جمیع وزرای خود برتر باشد. عموم سلاطین فرنگ منکر تنظیمات وزرای خود بوده اند و امروز پادشاه ایران وزرای خود را بزور و بتنظیمات میبرند. در فرنگ طالب نظم بودن و پادشاه عادل شدن تعجب نیست، زیرا که برای سلاطین فرنگ اختیار طرز دیگر ممکن نیست. ولی در ایران اختیار مال و جان بیست کرور خلق را بدون هیچ مدعی بدست خود گرفتن و از طفولیت محل پرستش خلق بسودن و با وصف حملات متملقین از حالت انسانیت بیرون زرفتن سهل است باعدم مربی و علوم و رسوم خارجه بر کل اعیان دولت تفوق جستن و به تنهایی بمقام نجات دولت برخاستن خیلی تعجب و برای ایران جای هزار تهنیت است. ولیکن بزرگتر از آن تعجب در این است که باوجود چنین پادشاه بصیر و باهمت و با وصف اقسام اسباب ترقی امروز دولت ایران منکوب بدول اطراف و گرفتار انواع ذلت است.

صد و پنجاه هزار رعیت ایران در مهیب ترین اسیری مینالند. پنج هزار سرباز هندی کل بنادر ایران را زیر و زبر مینمایند. دولت فرانسه سالی پانصد کرور مالیات تحصیل مینماید و شش کرور مالیات ایران وصول نمیشود. در اوقاتی که در يك سمت ایران شیعیان را بافتضاح تمام از معابد خود بیرون میکنند در يك سمت دیگر يك حماکم بی انصاف بتصدیق خود سیصد هزار تومان بر رعیت جبر میکند.

سی هزار نفر سرباز انگلیس سیصد کرور خلق را مستخر میکنند و افواج قاهره از پیش روی تر کمان فرار مینمایند. در حینسی که رعایای

ایران نظم بر نمیدارد!

نه خیر! چنین نیست! خدا طالب اغتشاش نیست و ایران نظم پذیر هست، سهل است اسبابی که برای ترقی ایران فراهم آمده است در هیچ ایام برای هیچ ملت میسر نبوده است. انتظام دول همیشه موافق کلی داشته است، گاهی چهل ملت مخالف عقل پادشاه بوده است، گاهی غفلت پادشاه سد ترقی ملت بوده است. وقتی سلطان محمود^۱ در خیال انتظام دولت عثمانی بود، یسکیچریها^۲ در خیال حبس او بودند. یک وقتی بجهت تضييع تنظیمات جدید فرانسه مدت بیست سال کل دول فرنگ بر فرانسه ها حمله آوردند^۳ الان هم در هر يك از دول یوروپ^۴ بجهت وضع هر قانون صد نوع مانع ظهور میکنند.

دولت ایران اول دولت روی زمین است که بدون هیچ مانع مستعد قبول هر نوع تنظیم میباشد. امنیت درونی، آسایش خارجه، سلطان پرستی ملت، همت و کفایت پادشاهی، متابعت و دولتخواهی علماء، ترغیب و اعانت دول دوست، سکوت دول بدخواه، جمیع اسباب ترقی برای ایران

۱ - پادشاه عثمانی که در صد اصلاح نظام بر آمد.

۲ - یسکی چری قشون داوطلب قدیم عثمانی است.

۳ - مبارزات دول اروپا بر ضد انقلابیون فرانسه که تا دوره ناپلئون

ادامه یافت. ۴ - اروپا.

يك ولايت از قحطی غله میمیرند زار عین ولایت هم جوار از وفور غله بواسطه عدم شتری در اشد فقر مأیوس مانده اند.

در سایر دول کالسکهای آتشی روزی سیصد و پنجاه فرسخ راه میروند و در ایران چاههای دولتی اغلب اوقات نصف منازل را پیاده طی میکنند. مداخل اکثر کمیانیهای بلجیک از مداخل تمام دولت ایران بیشتر است. وقتی کسی حالت ایران را با اوضاع فرنگ تطبیق میکند، غریب حیرت میشود که با این همه نعمات طبیعی که خداوند عالم بایران عطا فرموده اولیای این دولت باید چه قدر تدبیر کرده باشند که چنین ملکی را با این چنین ذلت رسانیده باشند یقین وزرای سابق ایران بهیچوجه نمیدیده اند یا اصلاً شعور نداشته اند، یا خائن دین و دولت بوده اند و الا چگونه میشود که سالها میان اینهمه معایب وزارت کرده باشند و بمقام رفع هیچیک از آنها برنخاسته باشند.

در ایران يك هلاعون دولتی هست که تمام ولایت را گرفته حاصل ملک را آتش میزند، بنیاد جمیع بناهای دولت را زیر و زبر میکند، شهرها را سرنگون میسازد و ریشه آبادی را از همه جا برمیکنند. این بلای مهیب را که در سایر دول ارذل و اشد زردیها مینامند، در ایران «مداخل» میگویند و سالهاست که این مملکت را غریق دریای ذلت دارد و هنوز هیچیک از وزراء رفع این بلای ملی را قابل التفات خود نشمرده است.

کدامیک از خرابیهای ایران را گویم: پریشانی لشکر، چه احتیاج به بیان دارد؟ اغتشاش استیفا، بیش از این چه خواهد بود؟

گردسنگی نوکر، تعدی حکام، ذلت رعیت، هرج و مرج دستگاه دیوان، افتضاح و خطرات خارجه، همه این معایب از آفتاب آشکارتر است و چیزی

که رفع این خرابیها و نجات ایران را در نظرها محال ساخته است، غفلت و بی قیدی اولیای این دولت است. چنان آسوده و مطمئن نشسته اند، که گوئی راه تشویش را تا هزار سال دیگر بر ایران مسدود ساخته اند. خیال میکنند که استقلال دولت و نعمات استقلال را قبول ابدی گرفته اند و حال آنکه چنین نیست! اغتشاش هند ابدی نخواهد بود، صدمات فرنگ روس را همیشه مشغول نخواهد داشت، روش یو لاطیکهای ملی برای خاطر هیچکس تغییر نخواهد یافت. آذربایجان، فارس، مازندران، عربستان، این گلستانهای آسیا هزار مدعی دارند. اگر بدانید سکوت این مدعیها بچه جای باریک رسیده، یقین اینطور آسوده نخواهید نشست. خدا آنروز را نصیب پادشاه اسلام نماید که پنج نفر از وزراء بفهمند که کشتی دولت بکجا رسیده و بکجا میرود ولی هزار افسوس که اعتماد ما بر اوضاع گذشته، ما را بکلی از اوضاع حالیه غافل ساخته است.

خیط کلی صدارت میرزا آقاخان این بود که عهد خاقان مغفور راهیزان آمین مملکت دلبوی قرار داده بود. متصل اعمال آن ایام را شاهد می آورد و معایب آن عهد را سند ترقی عهد خود قرار میداد، خیال میکرد که واقعا عهد خاقان مغفور سی سال قبل از این بوده است غافل از این بوده که از آن عهد تا امروز با صد سال گذشته است نقشه آسیارا در پیش خود بگذارید تاریخ این صد سال گذشته را باز نمائید و روش این دو سیل هایل را که از کلکته و پطرزبورغ رو بایران راه افتاده، درست تحقیق نمائید و به بینید این دو سیل که در اول محسوس نبودند در اندک مدت چه قدر بزرگ شدند؛ چه شهرها را خراب کردند؛ و چه دولتها را غرق نمودند؛ و بس از تحقیق هر گاه بتوانید که خود را از عقاید عوام فی الجمله بالا تر بکشید و از آن

بلندی، درجه سرعت این دوسیل را که از یکطرف به تبریز و استرآباد رسیده و از طرف دیگر داخل هرات و سیستان شده معین نمائید و بعد بمن بگوئید که از عمر این دولت چند دقیقه باقی مانده است؟

وزرای ایران، قدمت تاریخ ایران را صد جمیع بلاها میدانند. هر چه فریاد میکنی سیل رسید، میگویند، سه هزار سال است همینطور بوده ایم و بعد از این هم خواهیم بود!

سرکار وزیر! آنوقتی که شما در آسیا بطور دلخواه خود سلطنت میکردید، آنوقت کسی دوپست فرسخ راه را در ده ساعت طی نمی کرد. آنوقتی که انتظام دولت را به وقر بی معنی و قطر شکم میدانستند آن ایام مدتی است گذشته است. حالا درسه هزار فرسخی ایران یک قلعه آهنی میسازند و میآیند محمره را در دو ساعت منهدم میکنند. حالا در مقابل اقتدار دول همجوار نه الفاظ عربی بکار میآید، نه استخوانهای اجدادی، حالا چیزی که لازم داریم علم است و بصیرت. هزار قضیده عربی حفظ داشته باشید و هزار فرمان نجات ابراز نمائید، باز نخواهید فهمید که دولت ساردانیا^۱ که از آذربایجان کوچکتر است و ده سال قبل از این دوازده کروور مالیات داشت، چطور شد که حالاسی کروور مالیات دارد؟ میدانم خواهید فرمود ولایت را نظم دادند، مردم را آسوده ساختند، مملکت را آباد کردند این الفاظ را ردیف کردن آسان است، اما وقتی که از شما پرسند: راه آبادی ولایت کدام است؟ همان الفاظ بی معنی را خواهید گفت که هر احمقی در هر ایام گفته است.

عقل تنها برای وزارت این ایام کافی نیست! میرزا آقاخان از اغلب

۱ - پادشاهی ساردنی که بعداً دولت متحد ایتالیا را تشکیل داد.

وزرای فرنك بلاشك عاقلتر بود، باوصف این هر گاه ادنی محرر وزارت خانه های فرنك، بجای میرزا آقاخان (وزیر) میشد هزار بار بهتر از او وزارت میکرد. اگر بیک رعیت بسیار عاقل دهات سیستان کسی بگوید درده ساعت از کرمان میتوان رفت بهرات، خواهد خندید.

اگرچه اکثر از رجال دولت علیه بر حسب نجات با دوپست نفر فرارش راه میروند و اگرچه بر حسب فهم دو هزار بیت شعر عربی میدانند ولی در مراسم ترقیات مملکت داری از سیستانی مزبور هیچ فرقی ندارند. مثلاً هزار بار فریاد بکنید که در دو سال مالیات ما ز ندران را میتوان با کمال آسانی بدو کروور رسانید، باز خواهند گفت: در ایام انوشیروان هم چنین چیز نبوده است! بلی در ایام انوشیروان لفظ انگلیس وجود نداشت حالا چند نفر تاجر انگلیسی در خانه خود می نشینند و بهمان تدابیری که شما منکر هستید در پنجهزار فرسخی وطن خود بقدر ده مقابل دولت انوشیروان رامطیع و مملوک خود میکنند. بلی اکثر عقاید و اعمال ملل فرنك در ظاهر خلاف عقل مینماید ولی اگر ما بخواهیم فقط بعقل طبیعی خود حرکت کنیم منتهای ترقی ایران مثل ایام کیومرث خواهد بود.

[علم و رای عقل است؛ هر گاه اوضاع فرنك را بحالت چهار هزار سال قبل از این برگردانند، وزرای ایران بزور عقل خود عالم را مسخر خواهند کرد اما امروز درجه اجتماع علوم بشری بجائی رسیده که عقل طبیعی در تصور آن حیران است.

مثلاً هر گاه دو هزار نفر آدم بسیار عاقل ایرانی جمع بشوند و تا یکسال باهم خیال بکنند که بانك چه چیز است، یقیناً در اولین نقطه آن معطل خواهند ماند. عقل فرنکی بهیچوجه بیشتر از عقل ما نیست،

حرفی که هست در علوم ایشان است و قصوریکه داریم این است که هنوز نفهمیده ایم که فرنگی ها چقدر از ما پیش افتاده اند. ما خیال میکنیم که درجه ترقی آن ها همانقدر است که در صنایع ایشان می بینم و حال آنکه اصل ترقی ایشان در آئین تمدن بروز کرده است و برای اشخاصی که از ایران بیرون نرفته اند، مجال و ممتنع است که درجه این نوع ترقی فرنگ را بتوانند تصور نمایند. این مطلب عمده را نمیتوانم بیان بکنم مگر به تشبیه مطالب مانوس. اگر خانجات یورپ بر دو نوع است: يك نوع آنرا از اجسام و فلزات ساخته اند و نوع دیگر از افرادی نوع انسان ترتیب داده اند. مثلاً از چوب و آهن يك کارخانه ساخته اند که از يك طرف بشم میریزند و از طرف دیگر ماهوت بر میدارند و همچنین از بنی نوع انسان يك کارخانه ساخته اند که از يك طرف اطفال بی شعور میریزند و از سمت دیگر مهندس و حکمای کامل بیرون میآورند. محصول کارخانجات فلزی کم و بیش در ایران معروف است، مثل ساعت و تفنگ و تلگراف و کشتی بخار، از وضع ترتیب این قسم کارخانجات فی الجمله اطلاعی داریم. اما از تدابیر و هنری که فرنگیها در کارخانجات انسانی بکار برده اند، اصلاً اطلاعی نداریم. مثلاً هیچ نمیدانیم که الان در لندن يك کارخانه هست که اگر از پانصد کروور مالیات دیوان کسی ده تومان بخورد، در آن کارخانه لامحاله معلوم میشود و نیز در پاریس چنان کارخانه هست که اگر در میان هفتاد کروور نفس، بیکی ظلم بشود حکماً در آنجا بروز میکنند و همچنین کارخانه دارند وقتی که ده کروور پول در آنجا بریزند بعد میتوانند صد و بیست کروور پول نقد از همان کارخانه بیرون بیاورند و خرج کنند.

ملل یورپ هر قدر که در کارخانجات و فلزات ترقی کرده اند، صد مراتب بیشتر در این کارخانجات انسانی پیش رفته اند. زیرا که اختراعات صنایع فرنگ، اغلب حاصل عقل بکنفر یا نتیجه اجتهاد چند نفر از ارباب صنایع بوده است و حال آنکه این کارخانجات انسانی حاصل عقول و اجتهاد کل حکمای روی زمین است. مثلاً هرگز بیست نفر مهندس جمع نشده اند که يك کارخانه ساعت بسازند، اما حال هزار سال است که در انگلیس و فرانسه سالی هزار نفر از عقلا و حکمای ملت جمع میشوند و در تکمیل کارخانجات انسانی مباحثات و اختراعات تازه مینمایند از این يك نکته میتوان استنباط کرد که فرنگیها باید چقدر در این کارخانجات انسانی ترقی کرده باشند. حال چیزی که در ایران لازم داریم این کارخانجات انسانی است: مثل کارخانه مالیات، کارخانه لشکر، کارخانه عدالت، کارخانه علم، کارخانه امنیت، کارخانه انتظام و غیره. هر گاه بگوئیم ما اینها را داریم سهو غریبی خواهیم کرد و اگر بخواهیم ما خودمان بنشینیم و این نوع کارخانجات اختراع بکنیم مثل این خواهد بود که بخواهیم از پیش خود کالسکه آتشی بسازیم. در فرنگ میان این کارخانجات انسانی يك کارخانه دارند که در مرکز دولت واقع شده است و محرك جمیع سایر کارخانجات میباشد. این دستگاه بزرگ را «دستگاه دیوان» مینامند.

هر کس که بخواهد بفهمد عقل انسانی قهول چه معجزات میباشد باید این دستگاه دیوان را تحقیق بکند. نظم و آسایش و آبادی و بزرگی و جمیع ترقیات یورپ از حسن ترتیب این دستگاه است. بحدیکه اگر فرضاً این دستگاه معظم علی الغفله از دول فرنگ برداشته شود، همان

ساعت تمام ممالك فرنگ بصورت بلوچستان خواهد افتاد. وضع و اصول این دستگاه حیرت انگیز که خلاصه نتایج عقول بشری میتوان گفت، در ایران بکلی مجهول است. در اختراعات صنایع هر قدر که از ملل فرنگ عقب افتاده ایم، در این فقره ترتیب دستگاه دیوان صدمرتبه بیشتر غافل و دور مانده ایم. زیرا که مادر این دوسه هزار سال در عوالم صنایع فی الجمله ترقی کرده ایم، چنانکه عوض تیر و کمان توپ و تفنگ داریم ولی در علم ترتیب دستگاه دیوان اصلا ترقی نکرده ایم. چنانکه دو هزار سال قبل از این هر طور مالیات میگرفتیم امروز هم بهمان طور میگیریم. رسم حکومت و تقسیم ولایات و ترتیب استیفا و عموم شقوق عمده اعمال دیوان هنوز در حالت سه هزار سال قبل از این باقی هستند، بلکه تنزل کرده است بنا بر این ملاحظاتی احیای دولت ایران موقوف بر یک نکته واحد است و آن اینست که اولیای دولت این حقیقت واضح را اعتراف نمایند که دستگاه دیوان در ایران سه هزار سال عقب مانده است و ملل یورپ در این سه هزار سال چنان دستگاهی اختراع کرده اند که نسبت آن بادستگاه دیوان ما مثل نسبت کشتی صد و بیست توبی است بازورق های ترکمان. هر وزیر که منکر این حقیقت باشد من او را کدخدای ده خود نخواهم ساخت. پس هر گاه راست است که نظم دولت موقوف بنظم دستگاه دیوان است و هر گاه قبول دارید که دستگاه دیوان در ایران سه هزار سال عقب مانده است، پس لابد باید بعزم قوی کمر همت را در تجدید دستگاه دیوان ببندید یا اینکه بقول رئیس مجلس شورای بادنجان صحیح و

۱ - تعریض به مشیرالدوله رئیس شورای دولتی دارد و در پایان کتابچه هم هنگام بیدار شدن از خواب نیز همین عبارت و مضمون را تکرار میکند.

کباب جو چهار از دست ندهید ولیکن دیگر نگوئید که ایران نظم بردار نیست! نگوئید که معایب هزار ساله را چگونه میتوان رفع کرد؟ بذات ذوالجلال عالم، بحق اولیای اسلام، بنمک بندگان شاهنشاهی که دولت ایران را در سه ماه میتوان بقدر سه هزار سال ترقی داد ولی نه بآن رسمی که شما پیش گرفته اید. اگر شما بخواهید که راه ترقی را بعقل خود پیدا نمایید باید سه هزار سال دیگر مامنتظر بمانیم.

راه ترقی و اصول نظم را فرنگیها در این دوسه هزار سال مثل اصول تلگرافیا^۱ پیدا کرده اند و بر روی یک قانون معین ترتیب داده اند. همانطوریکه تلگرافیا را میتوان از فرنگ آورد و بدون زحمت در طهران نصب کرد، بهمانطور نیز میتوان اصول نظم ایشان را اخذ کرد و بدون معطلی در ایران برقرار ساخت ولیکن چنانکه مکرر عرض کردم و باز هم تکرار خواهم کرد، هر گاه بخواهید اصول نظم را شما خود اختراع نمایید مثل این خواهد بود که بخواهید علم تلگرافیا را از پیش خود پیدا نمایید.

۲ - آقای فضول

ببخشید! ما هیچ میل نداریم که دین خود را از دست بدهیم ما هر وقت بخواهیم کافر بشویم شما را خبر میکنیم و قوانین فرنگرا هر طوری که تو بخواهی اخذ میکنیم اما حالا زحمت بی فایده میکشید خدا بما عقل داده است و هیچ احتیاج بدرس فرنگی نداریم. گذشته از اینها اینجا ایران است، اینجا فرنگ نیست که هر کس هر چه بخواهد مجری بدارد، علما و مجتهدین پوست از سر ما میکنند. تو بخیالت این

۱ - تلگراف.

نظمهایی که میگوئی، ما نمیدانیم هیئات بخدا! نظمها میدانیم که پدر
فرنگی هم عقلش نرسیده است. اما چه فایده ماهزار درد داریم که تو از
هیچ کدام خبر نداری اینجا ایران است! رفیق نمیشود! ممکن نیست!
مجال است!

— سرکار وزیر!

این حرفها مدتی است کهنه شده است، بیچاره مجتهدین را بی
جبهه متهم نکنید. باز الان در ایران هر گاه کسی هست که معنی نظم
یورپ را بفهمد، میان مجتهدین است و انگهی از کجا فهمیدید که اصول
نظم فرنگ خلاف شریعت اسلام است. من هر گاه قرار بگذارم که مستوفیان
دیوان پول دولت را کم بخورند، مجتهدین چه حرفی خواهند داشت؟
ترتیب مناصب دیوانی چه منافات بشریعت دارد؟ انتظام دولت منافی
هیچ مذهب نیست، مگر مذهب آن اشخاصی که بزرگی ایشان حاصل و
ودلیل اغتشاش اوضاع است. معایب دستگاه دیوان در ایران بر هیچکس
مخفی نیست و مراتب اغتشاش اوضاع تا بحال بقدر کفایت شکافته شده است.
اکنون باید دید که رفع معایب ایران و تنظیم دستگاه دیوان چگونه
میسر خواهد بود. بجهت شرح و تفهیم این مطلب عمده اول باید بعضی
اصطلاحات اصول تمدن را که در ایران چندان معروف نیست
مختصراً بیان کنیم.

آن دستگاهی که در میان يك ملت مستقل منشأ اهر و نهی میشود
آنرا «حکومت» میگویند در هر قومی که از حالت وحشی بیرون آمده است
لامحاله يك حکومتی هست حکومت چند ترکیب مختلف دارد: هر گاه
در یک طایفه حکومت کل در دست یک نفر باشد و اجرای حکومت در خانواده

آن حکومت موروثی باشد ترکیب آن حکومت را سلطنت میگویند و
اگر حکومت یک طایفه موافق يك قرار معین نوبت بنوبت باشخاص منتقل
شود ترکیب آن حکومت را جمهوری مینامند. هر حکمی که از حکومت
صادر شود و مبنی بر صلاح عامه طایفه باشد و اطاعت آن بالمساوی بر
افراد طایفه لازم بیاید آن حکم را «قانون» میگویند. حکومت مرکب است
از دو نوع اختیار: یکی اختیار وضع قانون و دیگری اختیار اجرای قانون.
سلطنت دو ترکیب دارد:

در هر حکومتی هم اختیار وضع قانون و هم اختیار اجرای قانون
در دست پادشاه است ترکیب آن حکومت را سلطنت مطلق گویند مثل
سلطنت روس و عثمانی^۱

و در حکومتی که اجرای قانون با پادشاه و وضع قانون با ملت است
ترکیب آن حکومت را سلطنت معتدل^۱ مینامند مثل انگلیس و فرانسه
نظم و پیشرفت حکومت بجدائی این دو اختیار تسدایر دقیق و
دستگاههای معظم دارند. اوضاع سلطنتهای معتدل بحالت ایران اصلاً
مناسبتی ندارد^۲ چیزیکه برای ما لازم است تحقیق اوضاع سلطنتهای
مطلق است.

سلطنت مطلق منظم مثل روس و نمسه^۳ و عثمانی اگرچه پادشاه
هر دو اختیار حکومت را کاملاً بدست خود دارد ولیکن بجهت نظم دولت

۱ — اصطلاح سلطنت معتدل را بجای سلطنت و شروطه استعمال کرده است.

۲ — چون مقصود ملکم از تألیف این رساله راهنمای شاه وقت به ایجاد
نظم و ترتیب و وضع قانون بوده است از طرح موضوع سلطنت معتدل و یا شروطه
خود داری کرده است. — اثریش.

۳ — هر کس معنی این صفحه را نفهمد از باقی کتابچه هیچ نخواهد فهمید. مؤلف

و حفظ قدرت شخصی خود این دو اختیار را هرگز مخلوط هم استعمال نمیکند. هرگز نمیشود که سلاطین روس و نمسه بوزرای خود اختیار بدهند که هم وضع قانون بکنند و هم اجرای قانون. این دو اختیار از هم دیگر فرق کلی دارند.

در سلطنتهای مطلق غیر منظم فرق این دو اختیار را نفهمیده اند و هر دو را مخلوط هم استعمال میکنند و در هر سلطنتی که این دو اختیار مخلوط بوده وزراء همیشه بر سلطان مسلط بوده اند و در سلطنت مطلق هر قدر این دو اختیار جدا بوده قدرت پادشاهی بیشتر و دستگاه حکومت منظم تر بوده است. دلیل این فقره واضح است زیرا که در ظهور حکم پادشاهی دو چیز ملاحظه میشود یکی اجرای اراده و یکی دیگر طریقه اجرای اراده.

مثلاً وقتی پادشاه حکم می کند که از فلان ولایت باید سالی صد هزار تومان گرفته شود بدیهی است که این مالیات را بهزار قسم میتوان گرفت ولی اگر بخواهند از روی قاعده بگیرند لازم می آید که اول قاعده را مشخص بکنند.

پس این حکم پادشاه دو عمل عمده لازم دارد: یکی گرفتن مالیات، یکی تعیین قاعده گرفتن مالیات.

هر گاه این دو عمل را پادشاه بیک شخص یا بچند شخص واگذارد بدیهی است که این اشخاص مالیات را خواهند گرفت اما بهر طریقی که مناسب صلاح شخص خود بدانند و ممکن نیست که بواسطه تعیین قواعد مناسب، اختیار عمل خود را محدود بکنند ولیکن پادشاه اگر چند نفر را مخصوصاً بکار بگمارد که قاعده تحصیل مالیات را معین کنند و بعد

موافق همان قاعده چند نفر دیگر را مأمور تحصیل مالیات نماید آنوقت واضعین قاعده بواسطه عدم منفعت شخص خود کسفاً مأمورین تحصیل مالیات را بنوعی معین خواهند کرد که راه تقلب مسدود و عمل دیوان بقدر امکان منظم باشد و نیز تصور بفرمائید که یک سرداری را با پنجاه هزار نفر مأمور یک ولایت بکنند هر گاه این پنجاه هزار نفر محکوم هیچ قاعده نباشند معلوم است که حالت لشکر چه خواهد بود و اگر وضع قانون موقوف بمیل سردار باشد باز مثل این است که هیچ قاعده نباشد ولیکن هر گاه تکالیف سردار مزبور و شرایط ترتیب عساکر را چند نفر از خارج معین نمایند آنوقت لشکر منظم خواهد بود. بنابراین قاعده کلمه ممکن نیست که وزرای یک دولت برای عمل خود قاعده وضع نمایند، مثلاً در هیچ دولت دیده نشده که وزیر امور خارجه بیاید و بگوید من بعد از این خود را در عین وزارت محکوم فلان قاعده خواهم داشت و بعد از این هم هرگز دیده نخواهد شد که امیر جنگ بمیل خود حقوق سرتیپ و سرهنگ را معین نماید. در ممالک آسیا همیشه اجرای حکم و عمل تعیین قاعده اجرا هر دو محول بوزراء بوده است. این بواسطه در این صفحات هرگز دول منظم دیده نشده است، وزراء حکم پادشاه را مجری داشته اند موافق هر قاعده که خود خواسته اند و بواسطه اجتماع این دو عمل هم مانع نظم دستگاه حکومت بوده و هم اغلب اوقات سلاطین را مطیع اراده خود نموده اند اما در فرنگ سلاطین مطلق مثل امپراطور روس و غیره بواسطه تفریق این دو عمل حکومت چنان اسبابی فراهم آورده که اراده ایشان نقطه بنقطه مجری میگردد و وزرای ایشان با کمال تسلط نمیتوانند بقدر ذره از تکالیف خود تجاوز

نمایند بجهت حصول این مقصود دودستگاه علیحده ترتیب داده اند :

یکی دستگاه اجرا .

و دیگری دستگاه تنظیم .

شرح اراده پادشاهی و تعیین شرایط اجرای آن برعهده دستگاه تنظیم است و اجرای اراده مزبور موافق شروط معین محول بدستگاه اجراست .

مثلاً هرگاه پادشاه بخواهد بیست فوج سرباز تازه بگیرد اول اراده خود را بدستگاه تنظیم میفرستد که در آنجا تفحص کنند که این بیست فوج را از کجا و موافق چه شرایط باید گرفت هرگاه قرار و شروط دستگاه تنظیم پسند رای پادشاه بیفتد آنوقت قرار را میفرستد بدستگاه اجرا که موافق شروط معین مجری بداند، دستگاه اجرا که عبارت است از مجلس وزراء کاری ندارد مگر اجرای اراده پادشاهی موافق شرایط تنظیم، هیچ وزیر نمیتواند اراده پادشاهی و شروط اجرای آن را بمیل خود تغییر بدهد مثلاً هرگاه باقتضای اراده پادشاهی در دستگاه تنظیم معین کرده اند که مالیات فلان ولایت باید موافق فلان شرایط گرفته شود وزیر مالیات باید نقطه بنقطه اطاعت نماید. اگر شرایط مزبور بنظر وزیر مالیات مشکل و معیوب بیاید از پادشاه استدعا نماید که بحکم پادشاهی اراده تازه شرایط مزبور را در دستگاه تنظیم تغییر بدهند و هرگاه پادشاه تغییر شرایط مزبور را مایل نباشد وزیر مالیات باید حکماً شرایط مزبور را مجری دارد یا اینکه از وزارت خود استعفا نماید. بواسطه ترتیب این دودستگاه ممکن نیست که يك دولت بی نظم بماند زیرا که بی نظمی دولت حاصل تجاوزات وزراء و عدم تجدید تکالیف عمل دیوان است و باوجود این دو

دستگاه محال است که راه تجاوزات باقی و تکالیف اعمال دیوان غیر معین بماند *

سابقاً در ایران هیچیک از این دو دستگاه درست نبوده است، بعد از عزل میرزا آقاخان^۱ دستگاه اجرا پیدا شد این دستگاه جدید اگر چه تا بحال مصدر هیچ فایده ظاهری نشده است اما در معنی ترقی دولت را بلاشک بقدر صد سال پیش انداخته است و اینکه تا بحال مجلس وزراء فایده نبخشیده سبب آن واضح است و این سبب دخلی با اجرای مجلس ندارد. هر کس عرایض سابق را بدقت ملاحظه کرده است باسانی خواهد فهمید عیب مجلس وزراء در کجاست، عیب این مجلس در این است که عمل اجرا و عمل تنظیم را با هم مخلوط کرده اند و باوجود این حالت هرگاه این شش نفر وزیر شش نفر فروخته باشند باز ممکن نخواهد بود که مفشوش کاری نکنند. الان تکالیف هیچیک از وزراء معین نیست باین معنی که هر وزیر مختار است که حکم پادشاه را بهر طریق که میخواهد مجری میدارد و فرضاً پادشاه حکم کرده که امور حکومتی ولایت را نظم بدهید بدیهی است که بجهت انتظام این امور باید قوانین صریحه وضع شود. اولاً وزیر داخله فرصت وضع این قوانین را نخواهد داشت.

ثانیاً محال است که يك وزیر از روی میل دائره اعمال خود را بواسطه وضع قوانین محدود بکند سهل است قابلیت و کفایت وزیر

۱ - بعد از عزل میرزا آقاخان وظایف صدارت بین چند وزارت خانه تقسیم شد و برای نخستین بار صورت ساده ای از هیئت وزراء ترتیب یافت و همین پیش آمد ببردن انا امید اصلاح اوضاع پریشان را داد ولی اصرار پادشاه در حفظ رسوم استبدادی دیرین این تصورات را بزودی از خاطرها زدود *

هر قدر بیشتر باشد در رفع قوانین زیادتر خواهد کوشید این قاعده دخیلی باشخاص ندارد هر کس وزیر باشد خواه نسلرود^۱ خواه میرزا آقاخان^۲ بحکم طبیعت در صد این خواهد بود که بواسطه رفع عوائق قوانین قوه دایره اختیار خود را وسعت بدهد این است در هیچ ملک و وزرای عاقل طالب نظم نبوده اند برخلاف این چون اجزای دستگاه تنظیمات از اغتشاش امور بهره نمی برند و کفایت خود را نمی توانند جلوه بدهند مگر بوضع قوانین باین جهت شب و روز در فکر رفع اغتشاش و مزید انتظام هستند. مثلا هر گاه پادشاه حکم بکند که چاپارخانه دولت را نظم بدهند چون اجرای این حکم مایه مرارت وزیر داخله و وزیر مالیات خواهد بود یا این حکم را بهزار دلایل باطل خواهند کرد یا اینکه در اجرای آن صد قسم موانع خواهند تراشید.

اما اگر دستگاه تنظیمات نظم چیرخانه را فقره بفقره مشخص نمایند و شروط نظم این عمل را بحکم پادشاهی بر عهده مجلس اجرا گذارند آنوقت هر وزیریکه این عمل باو تعلق دارد یا باید بحکم پادشاه را موافق شروط دستگاه تنظیمات نقطه بنقطه مجری بدارد یا اینکه از منصب وزارت استعفا کند بنا بر تفصیل فوق و بنابه تجربیات چهار هزار ساله فرنك آشکار و مسلم است که بدون تفریق دستگاه تنظیمات از دستگاه

۱ - نسلرود سیاستمدار روس است که سیاست خارجی دولت روس را از زمان الکساندر اول تا نیکلای اول اداره میکرد، شهرت او از کنگره و بنه ۱۸۱۶ آغاز گشت.

۲ - میرزا آقاخان نوری صدر اعظمی است که پس از میرزا تقی خان بواسطه عدم لیاقت سیاسی اسباب انحطاط دولت ایران را از هر حیث فراهم آورد.

اجرا هیچ دولت نظم نخواهد گرفت و هیچ پادشاه از اخبار باطنی وزرای خود مستحضر و مستخلص نخواهد بود. دستگاه تنظیمات منبع نظم دول است و نجات دولتی ایران بسته باحداث دستگاه تنظیمات است مادام که این دستگاه اصلی در ایران ناقص است جمیع زحمات پادشاه و وزراء بیحاصل خواهد بود اگر وزراء بر خطرات دولت واقف هستند و بقدر ذره تعصب و غیرت ملی دارند باید بلا درنگ بمقام تاسیس این دستگاه برخیزند و الا از این مشورت های بی درپی هیچ چیز حاصل نخواهد شد مگر مزید مخالفت وزراء و ظهور عدم کفایت ایشان.

در تاریخ ایران می بینیم که نوشته اند هفت نفر از وزرای نامی ایران چهارده شب و روز باهم مشورت کردند و دلیلیکه از عمق کفایت خود یادگار گذاشته اند این بود که در تمام روی زمین منتشر کردند که بعد از این هر چه دولت ایران بگوید نباید باور کرد^۱ زیرا که..... محال عقل و خلاف طبیعت خواهد بود که بعد از این هم..... نتایج بروز کند مقصود من اصلا تقییح وزرا نیست عیب مجلس وزرا چنانکه گفتم دخیلی باشخاص وزراء ندارد عیب در وضع عمل است مقصود من از این همه تفصیل بروز عیب بوده حال به بینیم رفع این عیب و احیای دولت موقوف بچه نوع تدابیر است پیش از اینکه داخل شروع این مطلب بشویم یکخواهی دیشب دیده ام از برای شما نقل می کنم.

۱ - متأسفانه از روی تواریخ فارسی نتوانیم به این موضوع پی ببریم ولی از قراین بنظر میرسد که این تصمیم مربوط با اجرای مواعید و نیاتی بود که از طرف پادشاه بعد از عزل میرزا آقاخان نوری انتظار میرفت و مجلس وزرای آن عصر گویا در نتیجه مشورت خویش به این قضیه رای نداده باشد.

صبح زود بود تازه از خواب بیدار شده بودم در فکر تحریر باقی مطالب فوق بودم یکدفعه خود را در میان چند نفر آدم دیدم که به تعجیل رو بدر خانه^۱ می رفتیم پانزده نفر بودیم و در دست هر یک ارما حکمی بود بخط دبیر الملک باین مضمون « بیا که شاه خواسته است » وقتی بحضور مبارک رسیدیم و دیدیم ذات اقدس همایون شاهنشاهی بر تخت خود نشسته اند و بجز ما هیچکس حضور ندارد بعد از دقیقه تامل بیک آهنگ قوی فرمودند شما را برای مهم معظمی خواسته ام دولت ایران مملو اغتشاش بوده رای همایون برفع اغتشاش قرار گرفت از امروز اختیار حکمرانی را بدو جزو علیحده منقسم می داریم اجرای حکم ما بر عهده وزراست، تعیین شرایط اجرا را بر عهده شما می گذارم.

اول حکمی که بر شما اعلام می کنم این است که با همت قوی در مقام انتظام ایران ایستاده ایم و بعزم تمام حکم می نمایم که بعد از این دولت اسلام منظم و دوران اغتشاش در ایران منتهی باشد مقرر می داریم که امروز بالاستمرار در دیوان تنظیم جمع آئید و قوانین اجرای این حکم مطلق ما را مشخص نمائید هر قانونی که بسته برای ما باشد امضای همایون ما اجرای آن را بر عهده مجلس وزرا مقرر خواهد داشت شما در دیوان تنظیم همگی همشان و در اختیار رئیس خود مختار خواهید بود. بروید و بدانید که توجه ملوکانه نتایج غیرت و کفایت شما را منتظر است.

همینکه از حضور شاهنشاهی مرخص شدیم در دیوان تنظیم جمع آمدیم و اول یکی از ما را که پیری بود جهان دیده رئیس مجلس قرار

دادیم. این پیرزنده دل پس از ترتیب مجلس چنین گفت: ای آقایان محترم امروز آرزوی مرا نهایت است و جولان همت شما را بدایته مشرق جلال ایران منور شد و احیای دولت اسلام محتمل آمد، جوش جوانی و انوار دانش شما مرا از انتظام ملک مطمئن دارد ولی رشد افکار و تقدیم مقاصد شما را مانع عظیمی می بینم. شاهنشاه دین پناه شما را از عموم صنوف و چاکران خود منتخب فرموده اند اغلب شما در عین جوانی و صاحب مناصب جزو هستید و می دانید که در ایران سال کهن وریش طویل چقدر هایه اعتبار است. بزرگان این دولت قطر شکم و نجوست کبر خود را سندان عقل خود قرار داده اند و هرگز جایز نخواهند شمرد که شعور جوانی محترم تر از حماقت نجابت باشد. بنابراین بجهت رفع حسد بزرگان و دوام آسایش مجلس ما تدبیری که بخاطر می رسد این است که هیچیک از ما قبول جلال ظاهری ننماید و ما همگی حالت شخص خود را بجدی محقر نگاه داریم که بزرگان دولت بخیال طمع شغل ما نیفتند. جلال مناصب ویدکهای مرصع و افواج فراش و هنرهای تشخص و جمیع بزرگیها که آدمرا در ایران از قابلیت شخص مستغنی میداند مخصوص بزرگان ما بدانند قسمت ما منحصر بشرح احکام شاهنشاهی و تحریر قوانین باشد هر گاه این تکالیف مرا قبول نمائید احتمال است که ما را آسوده بگذارند و الاعتریب یا مجلس ما را بکلی منسوخ خواهند ساخت و یا اینکه شما را که نه ریش بلند دارید و نه نوکر زیاد از اینجا بیرون خواهند کرد.....

..... و عوض علوم و کفایت شما این مجلس را بر خواهد کرد از آن الدنگهای موقر که از هیچ نقطه روزگار خبر ندارند و انتظام دولت را در مزید تکبیر و جلال میدانند. گفتار رئیس را کل اجزای مجلس تحقیق کردند و بالاتفاق

قسم یاد نمودند که در کوچه ها باینک نفر نوکر راه بروند و در سایر مقامات نیز موافق این میزان حرکت نمایند و بعد از این مقدمه کتب قوانین جمیع ملل را بمیان آوردند و از روی اصول انتظام دول بنای تحریر قانون را گذاشتند تا مدتی هر روز یک قانونی بحضور اقدس شاهنشاهی میردیم هر کدام را که پسند میفرمودند ممضی میداشتند و هر نکته را که اشاره مینمودند همان ساعت موافق میل شاهنشاهی تغییر میدادیم چون ترتیب این قوانین بعده من بود اغلب آنها را بخاطر دارم و چون معانی و ترتیب آنها زیاده از حد تازگی داشت ذکر بعضی از آنها خالی از مناسبت نخواهد بود.

قانون اول بر ترکیب حکومت دولت ایران

فقره اول - ترکیب حکومت دولت ایران بر سلطنت مطلق است.
 فقره دوم - سلطان ایران شاهنشاه است.
 فقره سوم - منصب شاهنشاهی بالارث بخط مستقیم در اولاد ذکور شاهنشاه اعظم ناصرالدین مقرر است.
 فقره چهارم - اجرای حکومت ایران بر قانون است.
 فقره پنجم - اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون هر دو حق شاهنشاهی است.
 فقره ششم - اعلیحضرت شاهنشاهی این دو اختیار را بتوسط دو مجلس علیحده معمول میدارد.
 فقره هفتم - اجرای قانون و اداره امور حکومت بر عهده

مجلس وزارت است.
 فقره هشتم - وضع قوانین بر عهده مجلس تنظیمات است.
 فقره نهم - ریاست مطلق این دو مجلس حق مخصوص شاهنشاهی است.
 فقره دهم - عزل و نصب جمیع عمال حکومت جز و اختیار اجرا حق مخصوص شاهنشاهی است.

قانون دویم بر شرایط وضع قانون

فقره اول - وضع قانون و اعتبار قانون موقوف بهفت شرط است:
 شرط اول - قانون باید بیان اراده شاهنشاهی و متضمن صلاح عامه خلاق باشد.
 شرط دوم - قانون باید در مجلس تنظیمات باتفاق کل اجزای مجلس نوشته شده باشد.
 شرط سوم - قانون باید بمهر سلطنت ممهور و بامضای شاهنشاهی رسیده باشد.
 شرط چهارم - قانون باید بزبان فارسی و بعبارات واضح نوشته شده باشد.
 شرط پنجم - قانون باید در دفتر قانون نوشته شده باشد.
 شرط ششم - قانون باید اسم و عدد معین داشته باشد.
 شرط هفتم - قانون باید در روزنامه دولتی اعلان شده باشد.
 فقره دوم - هر حکمی خارج از این هفت شرط باشد قانون نیست.

قانون سیم بر حقوق ملت

- فقره اول - قانون در کل ممالک ایران در حق جمیع افراد رعایای ایران حکم مساوی دارد .
- فقره دوم - هیچ شغل و هیچ منصب دیوانی موروثی نیست .
- فقره سوم - آحاد رعایای ایران جمیعاً در مناصب دیوانی حق مساوی دارند .
- فقره چهارم - از رعایای ایران هیچ چیز نمیتوان گرفت مگر بحکم قانون .
- فقره پنجم - هیچیک از رعایای ایران را نمیتوان حبس کرد مگر بحکم قانون .
- فقره ششم - دخول جبری در مسکن هیچ رعیت ایران جایز نخواهد بود مگر بحکم قانون .
- فقره هفتم - عقاید اهل ایران آزاد خواهد بود .
- فقره هشتم - مالیات هر ساله بحکم قانون مخصوص گرفته خواهد شد^۱

۱ - این چند سطر را هر کس بخواند خیال خواهد کرد که فهمیده است. بجهت رفع اشتباه اینقدر را عرض می کنم که برای همین چند سطر دولت فرانسه هشت کرور آدم تلف کرده. هر کس معانی این چند سطر را فهمیده است معلوم میشود که ده سال عمر خود را صرف این مطالب کرده است. مؤلف

قانون چهارم بر ترتیب مجلس تنظیبات

- فقره اول - مجلس تنظیبات مرکب است از اعلیحضرت شاهنشاهی، سه نفر شاهزاده، پانزده نفر مشیر، هشت نفر وزیر .
- فقره دوم - عزل و نصب اجزای تنظیبات بلا واسطه تعلق با اعلیحضرت شاهنشاهی دارد .
- فقره سوم - حضور وزراء در مجلس تنظیبات اختیاری خواهد بود .
- فقره چهارم - جمیع قوانین دولت باید در مجلس تنظیبات باتفاق جمیع اجزای مجلس نوشته شود .
- فقره پنجم - جمیع قرارهای عمده چه بر امور تجارت چه در امور مالیات و چه بجهت آبادی مملکت باید در مجلس تنظیبات تحقیق شود و بامضای مجلس برسد .
- فقره ششم - حکم مجلس اقلای امضای ده نفر مشیر را لازم دارد .
- فقره هفتم - مواظبت اجرای قانون بر عهده مجلس تنظیبات است .
- فقره هشتم - تحقیق شکایات رعایا از اعمال دیوان راجع بمجلس تنظیبات است .
- فقره نهم - جمع مشیران مجلس همشان هستند .
- فقره دهم - اعلیحضرت شاهنشاهی بجهت انتظام درونی مجلس تنظیبات از میان مشیران يك نفر را رئیس مجلس قرار خواهند داد، لقب رئیس این مجلس تنظیبات **صدرالمشوره** خواهد بود .

تعیین قواعد اجرای این قانون بر عهده مجلس تنظیمات است.

قانون پنجم بر تقسیم اختیار اجرا

فقره اول - اعلیحضرت شاهنشاهی اختیار اجرا را در هشت نفر وزراء تقسیم دارند: اول وزارت عدالت، دوم وزارت امور خارجه، سوم وزارت امور داخله، چهارم وزارت جنگ، پنجم وزارت علوم، ششم وزارت تجارت و عمارت، هفتم وزارت مالیات، هشتم وزارت دربار.

فقره دوم - اداره هر يك از این هشت وزارت محول بیک وزیر است.

فقره سوم - ترتیب هر يك از وزارت خانها از روی يك قانون معین است.

قانون ششم بر ترتیب مجلس وزرا و تکالیف کلیه ایشان

فقره اول - مجلس وزرا مرکب است از وزیر عدالت، وزیر امور خارجه، وزیر امور داخله، وزیر جنگ، وزیر علوم، وزیر تجارت و عمارت، وزیر مالیات، وزیر دربار.

فقره دوم - رئیس مجلس اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است.

فقره سوم - اول تکالیف وزرا اجراء قانون است.

فقره چهارم - وزرا خارج از قانون بهیچ کاری نباید اقدام بکنند.

۱ - نباید لفظ قاعده را با لفظ قانون مشتبه کرد این دو لفظ با هم هیچ ربط ندارد. شرایط قانون در قانون دوم مقرر است و شرایط قاعده در قانون (۲۹) مؤلف

فقره پنجم - کل وزراء همشان هستند.

فقره ششم - هیچ وزیری نمیتواند در کار وزیر دیگر مداخله کند.

فقره ششم - حدود تکالیف هر يك از وزراء بحکم قانون مخصوص

خواهد بود.

فقره هشتم - مواجب هر يك از وزراء شش هزار تومان خواهد بود.

فقره نهم - وزرا حق خواهند داشت هر قانونی که لازم داشته

باشند وضع آن را به مجلس تنظیمات تکلیف نماید.

فقره دهم - وزرا حق خواهند داشت که بجهت انتظام خدمات

محوله خود هر قاعده که مناسب بدانند وضع نمایند ولیکن موافق شرایطی

که در قانون هفتاد و نهم مقرر است.

فقره یازدهم - هر وزیری در صورت عجز خود در اجرای قانون

فی الفور از وزارت خود استعفا نماید.

فقره دوازدهم - وضع قاعده انتظام درونی مجلس وزرا بر عهده

رئیس وزراست.

قانون دهم بر احیای دولت ایران

فقره اول - جزای خائن دولت قتل است.

فقره دوم - هر وزیریکه در امور حکومت خلاف قانون نماید

خائن دولتی است.

فقره سوم - در میان چاکران هر کس هزار دینار رشوه بپیشکش

۱ - قاعده را با قانون نباید مشتبه کرد. مؤلف

بگیرد خائن دولت است
 فقره چهارم - هر کس در مال دیوان تقلب نماید خائن دولتی است.
 فقره پنجم - تحقیق و حکم خیانت وزرا بر عهده مجلس
 تنظیمات است.

قانون یازدهم بر اجتماع قوانین دولت

فقره اول - مجلس تنظیمات در مدت یکسال کل احکام شرعی و دولتی که متعلق بامور مملکت داربست جمع خواهد کرد و بواسطه اجرای شروط قانونیت جزو قوانین دولت خواهد ساخت.
 فقره دوم - مجلس تنظیمات در مدت یکسال هر قانونی که بجهت تکمیل مجمع قوانین دولت لازم است خواهد نوشت و بواسطه اجرای شروط قانونیت جزو قوانین دولت خواهد ساخت.
 فقره سوم - مجلس تنظیمات در مدت یکسال جمیع قوانین دولت را در پنج مجموعه تقسیم خواهد کرد و اجتماع قوانین هر یک پنج مجموعه را یک قانون نامه علیحده قرار خواهد داد.
 فقره چهارم - تقسیم و اسامی این پنج قانون نامه از این قرار خواهد بود:
 اول حقوق نامه . دوم دیوان نامه . سوم جزا نامه . چهارم نظامنامه . پنجم اداره نامه .
 فقره پنجم - هر یک از این قانون نامهها منقسم خواهد بود بابواب و فصول و فقرات .

فقره ششم - هر باب و هر فصل يك اسم مخصوص خواهد داشت .
 فقره هفتم - هر فقره یکعدد معین خواهد داشت .
 فقره هشتم - این پنج قانون نامه در چاپ خانه دولتی باسمه چاپ خواهد شد .
 فقره نهم - سند حقوق در دولت ایران منحصر باین پنج قانون نامه خواهد بود.....

قانون دوازده در بیان ترتیب وزارتخانهها

فقره اول - عدد و مناصب و مواجب و تکالیف جمیع عمال وزارت خانهها بحکم قوانین مخصوص معین خواهد شد .
 فقره دوم - هیچ وزیری ماذون نخواهد بود که عدد عمال وزارت خود را بدون اجازه يك قانون مخصوص زیاد یا کم نماید .
 فقره سوم -
 فقره چهارم - هیچ وزیری نمیتواند مواجر و مواخر را تغییر بدهد .
 فقره پنجم - هر وزارت خانهها يك دایره تعلم خواهد بود .
 فقره ششم - هر کس بخواهد صاحب مناصب بشود باید دو سال در دایره تعلم خدمت بکند .
 فقره هفتم - اجزای دائره تعلم بهیچوجه مواجب نخواهند داشت .
 فقره هشتم - هر کس بخواهد داخل دایره تعلم بشود باید اقلا شانزده سال داشته باشد، زبان فارسی را کاملا بداند، حساب بداند . هندسه بداند، جغرافیا بداند، تاریخ بداند .

این مطالب در قانون بد و هشتم بیان شده . مولف

فقره نهم - علوم فوق بجهت دخول جميع وزارتخانهها ناگزير است ولي بجهت هر وزارتخانه علوم مخصوصه علاوه خواهد شد .

فقره دهم - بجهت درجات علوم و طريقه امتحان طلاب دايره تعلم قانون مخصوص مقرر خواهد شد .

فقره يازدهم - هيچ صاحب منصب نمیتواند بمنصب بالاتر برسد مگر بعد از دو سال خدمت در مناصبی که دارد .

فقره دوازدهم - استثنای این فقرات ممکن نخواهد بود مگر به اقتضای ضرورت حکمی و بحکم فرمان شاهنشاه .

فقره سیزدهم - هيچيك از صاحب منصبان ديوان از نوکری اخراج نخواهد شد مگر بحکم قانون شصت و سه .

فقره چهاردهم - اسم مواجب باعين مطابق خواهد بود .

فقره پانزدهم - مواجب صاحب منصبان سه ماه ب سه ماه در سر وعده بدون تخلف داده خواهد شد .

قانون بيست و چهارم بر ترتيب وزارت امور خارجه

فقره اول - وزارت امور خارجه از اين قرار منقسم است :

دايره مخصوص وزارت، دايره امور دولتی، دايره امور تجارتي، دايره ترجمه و خطوط رمز، دفتر ثبت و ضبط، دفتر رسوم و تشریفات، دفتر محاسبه و ترتيب اجزاء، فراشخانه وزارت .

فقره دوم - درجات اجزای وزارت از اين قرار است :

وزير، نایب، منشی، مترجم، کاتب، محرر تعلم، فراش باشی، فراش.

فقره سوم - رئيس هر دايره نایب است و رئيس هر دفتر ناظم .

فقره چهارم - کار دايره مخصوص وزارت از اين قرار است: مکتبه شخصی وزير، امورات مخفيه، وصول و ارسال نوشتجات دولتی، ترتيب ملاقات سفرا و ارباب رجوع با وزير، بیرون نویسی مطالب عمده برای حضور شاهنشاهی .

فقره پنجم - اجزای دايره مخصوص وزارت از اين قرار است:

يك نایب، يك منشی، يك مترجم، دو کاتب .

فقره ششم - کار دايره امور دولتی از اين قرار است: نوشتهجات دولتی، عهدنامهجات و سایر قرارداد های دولتی، سرحدات، رد فراری، ترتيب و مواظبت مأمورین خارج .

فقره هفتم - اجزای دايره امور دولتی از اين قرار است: يك نایب، دو منشی، سه کاتب، چهار محرر تعلم .

فقره هشتم - کار دايره امور تجارت از اين قرار است: ترتيب امور قونسول های خارج و اتباع آنها، عهدنامهجات و قرارداد های تجارتي، مطالبات تجار خارجه، مواظبت امور تجار ایران در خارج .

فقره نهم - اجزای دائره تجارت از اين قرار است: يك نایب، دو منشی، سه کاتب، سه محرر تعلم .

فقره دهم - کار دايره ترجمه و خطوط رمز از اين قرار است: ترجمه و نوشتجات السنه خارجه بزبان فارسی، ترجمه فارسی بالسنه خارجه، ترجمه مکالمات، ترجمه خطوط رمز، تحصیل اطلاعات خارجه .

فقره يازدهم - ترتيب اجزای دايره ترجمه از اين قرار است: يك

مترجم نایب، سه مترجم منشی، چهار مترجم کاتب، پنج مترجم محرر.

فقره دوازدهم - کار دفتر ثبت و ضبط از این قرار است : ضبط و ترتیب اصول و سواد جمیع مکاتبات وزارت ، تحصیل عهد نامجات و مستندات دیپلوماطیک دول خارجه ، ضبط جمع قواعد وزارتخانه ، بیان اطلاعاتی که بجهت خدمات دیوان از وزارت خارجه بخواهند ، دادن تذکره ، امضای مطابقت اصل با سواد .

فقره سیزدهم - ترتیب اجزای دفتر ثبت از این قرار است : يك ناظم ، يك منشی ، دو کاتب ، سه محرر تعلم .

فقره چهاردهم - کار دفتر رسوم و تشریفات از این قرار است : نوشتن عهد نامجات ، اختیار نامجات ، قرار نامجات ، تصدیق نامجات ، نامجات شاهنشاهی ، حل مسائل تشریفات و امتیازات و حقوق مامورین خارجه و تهیه ملاقات رسمی .

فقره پانزدهم - ترتیب اجزای دفتر تشریفات از این قرار است : يك ناظم ، يك منشی ، دو کاتب ، دو محرر .

فقره شانزدهم - کار دفتر محاسبه از این قرار است : اداره کل تنخواه که برای مخارج بیالیانه در مجلس تنظیمات معین میشود ، ایصال مواجب جمیع اجزای وزارت ، ثبت عدد و مناصب جمیع اجزای وزارت ، مخارج سفر و انعام ، مخارج چاپار ، مخارج مخفیة ، تعارفات دولتی ، مستمری ، فقره هفدهم - اجزای دفتر محاسبه از این قرار است : يك ناظم ، يك کاتب ، يك محرر .

فقره هیجدهم - فراشخانه وزارت مرکب است : از يك فراشباشی و ده فراش .

فقره نوزدهم - نایب و ناظم را اعلیحضرت شاهنشاهی معین میفرمایند ،

سایر اجزای خود وزیر موافق قانون فلان معین میکند .

فقره بیستم - مواجب اجزای وزارت از این قرار است : وزیر شش هزار تومان ، نایب هزار و پانصد تومان ، ناظم هزار تومان ، منشی پانصد تومان ، کاتب سیصد تومان ، محرر تعلم هیچ ، مترجم هر يك از این درجات را دارد سه عشر علاوه بر مواجب اصلی خود خواهد گرفت محرر مترجم صد تومان ، فراشباشی صد تومان ، فراش چهل تومان .
فقره بیست و یکم - مامورین خارج از اجزای وزارت خارجه منتخب خواهند شد .

فقره بیست و دوم - نایب وزارت شأن وزیر مختاری دارد .

فقره بیست و سوم - اجرای این قانون بر عهده وزیر امور خارجه است .

قانون بیست و ششم در تقسیم ممالک ایران

فقره اول - کل ممالک ایران بسی قطعه تقسیم خواهد شد .

فقره دوم - اسم هر يك از این سی قطعه ولایت خواهد بود .

فقره سوم - هر ولایت منقسم خواهد بود بدو الی سه ایالت .

فقره چهارم - هر ایالت منقسم خواهد بود بدو الی پنج ناحیه .

فقره پنجم - هر ناحیه منقسم خواهد بود بدو الی پنج بلوک .

فقره ششم - لقب رئیس اداره هر ولایت والی خواهد بود ، لقب

۱ - - یعنی اگر این قانون را مجری ندارد محکوم قانون دهم خواهد بود بدیهی است که اگر اجرای این قانون بنظر وزیر مشکل یا محال بیاید باید همان ساعت از وزارت استعفا نماید . مؤلف

رئیس اداره هر ایالت نایب الایاله، لقب رئیس اداره هر ناحیه قائم مقام، لقب رئیس اداره هر بلوک مشرف خواهد بود.

فقره هفتم - عزل و نصب این سی والی از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی خواهد بود.

فقره هشتم - تعیین رؤسای تقسیمات ولایت با اطلاع وزیر داخله در اختیار والی خواهد بود.

فقره نهم - در هر ولایت يك مجلس اداره خواهد بود موافق قانون پنجاهم.

فقره دهم - اجرای این قانون بر عهده وزیر داخله است.

قانون بیست و هفتم بر ترتیب وزارت امور داخله

فقره اول - وزارت امور داخله منقسم است بهشت دایره:

دایره مخصوص وزارت، دایره اداره ولایات، دایره ضبطیه، دایره

زراعت، دایره حبسیه، دایره چاپارخانه، دایره ابنیه، دایره محاسبه^۱.

قانون بیست و نهم بر ترتیب دایره ضبطیه

فقره اول - در ایران پنجهزار ضبطیه خواهد بود.

فقره دوم - این پنجهزار سر باز ضبطیه منقسم خواهد بود به

۱ - چون این دایره ها حقوق متعدده دارند بجهت هر دایره يك قانون مخصوص

وضع شده است. مؤلف

پانصد دسته ده نفری.

فقره سوم - مناصب ضبطیه از این قرار خواهد بود: امیر ضبطیه،

کلانتر ضابط، داروغه، نایب داروغه.

فقره چهارم - هر دسته محکوم يك داروغه و هر درجه محکوم

درجه بالای خود خواهد بود.

فقره پنجم - در هر ولایت يك کلانتر، در هر ایالت يك ضابط، در

هر ناحیه يك داروغه، در هر بلوک يك نایب داروغه خواهد بود.

فقره ششم - این سی نفر کلانتر محکوم امیر ضبطیه و امیر ضبطیه در

وزارت داخله رئیس دایره ضبطیه و محکوم وزیر داخله خواهد بود.

فقره هفتم - بر عهده دایره ضبطیه دو قسم خدمت است: انضباط

عدلیه، انضباط حفظیه.

فقره هشتم - اجرای این قانون بر عهده وزیر داخله است.

قانون سی و پنجم بر ترتیب دیوانخانه

فقره اول - در دولت ایران سه قسم دیوانخانه خواهد بود:

اول دیوان اصلاح، دوم دیوان عدلیه، سوم دیوان اعلی^۲.

فقره دوم - در هر ولایت يك دیوان عدلیه خواهد بود.

فقره سوم - در هر ناحیه يك دیوان اصلاح خواهد بود.

فقره چهارم - در کل ایران يك دیوان اعلی خواهد بود و محل

۱ - تکالیف مامورین ضبطیه و بیان این دو قسم انضباط محول بقوانین صد

ویست و صد و بیست یکم است. مؤلف ۲ - حدود اختیار این

دیوانخانه ها و رسم مراجعه در قوانین ترتیبی معین شده است. مؤلف

دیوان اعلی درمقر سلطنت خواهد بود .

فقره پنجم - دیوان اصلاح مرکب است از یک نفر دیوان بیکی، دو نفر مصلح.

فقره ششم - دیوان عدلیه مرکب است از چهار نفر قاضی، یک نفر موکل، یک نفر رئیس، هشت نفر فراش.

فقره هفتم - لقب رئیس دیوان عدلیه حاکم دیوان عدلیه است.

فقره هشتم - دیوان اعلی مرکب است از یک رئیس، ده حاکم، یک موکل، دو نایب موکل، پنج نفر فراش.

فقره نهم - لقب رئیس دیوان اعلی امیر دیوان خواهد بود .

فقره دهم - عزل و نصب رؤسا و موکلان دیوان تعلق با علی حضرت اقدس شاهنشاهی دارد .^۱

فقره یازدهم - اداره جمیع دیوان خانهای دولت بر عهده وزیر عدالت است .

قانون سی و ششم بر ترتیب وزارت عدلیه^۲

قانون سی و هفتم بر قدرت عسکریه ایران

فقره اول - در دولت ایران دو قسم لشکر خواهد بود: ^۳ لشکر

۱ - برای ترتیب این دیوانها علاوه بر قوانین ترتیبی قوانین مفصل وضع شده . مؤلف

۲ - در این وزارت عدالت را با قاضی گری مشتبه کرده اند . مؤلف

۳ - در باب ترتیب لشکر قانون صدوسی را ملاحظه فرمائید . مؤلف

عازم، لشکر قائم .

فقره دوم - لشکر عازم مرکب است از چهل هزار نفر از این قرار: بیست و پنج هزار سرباز، پنج هزار ضبطیه، سه هزار توپچی، هفت هزار سواره و مهندس .

فقره سوم - لشکر قائم مرکب است از دو کروور سیاهی^{۱۰}

فقره چهارم - ایام خدمت سرباز عازم هفت سال است .

فقره پنجم - نهایتین مناصب نظامی از این قرار است: نایب، بهادر، سلطان، یاور، سرهنگ، سر تیب، امیر، سردار .

فقره ششم - در دولت ایران از دوالی شش سردار و از دوازده الی پانزده امیر خواهد بود .

فقره هفتم - عدد سایر صاحب منصبان بلا تخلف خواهد بود .

فقره هشتم - تکالیف و حقوق و ترتیب دو قسم لشکر ایران موقوف بقوانین نظامنامه است .

فقره نهم - اجرای این قانون و اداره دو قسم لشکر ایران موافق قوانین نظامنامه محول بوزیر جنگ است .

قانون سی و هشتم بر ترتیب وزارت جنگ

فقره اول - وزارت جنگ مرکب است از دایره مخصوص وزارت، دایره اداره، دایره توپخانه، دایره پیاده، دایره سواره، دایره مهندسی، دایره مهمات، دایره محاسبه .

۱ - در باب ترتیب لشکر قائم قانون صدوسی را ملاحظه فرمائید . مؤلف

فقره دوم - دایره مخصوص وزارت دو شعبه دارد: کار شعبه اول از این قرار است: وصول و ارسال نوشتجات وزارت، وضع قواعد نظامی، ثبت احکام نظامی، ترتیب اعطای نشان. مباشر این شعبه رئیس اتاماژور است.

فقره سوم - کار شعبه دوم از این قرار است: حرکات افواج، نظم و مشق افواج، تحقیق اوضاع کلیه افواج، خدمات متفرقه. رئیس این شعبه آجودان باشی است.

فقره چهارم - دایره اداره هشت دفتر دارد: دفتر تجزیه، دفتر گرفتن سرباز، دفتر مواجب، دفتر آذوقه، دفتر ملبوس و چادر و اسباب و اصطبل، دفتر حمل و نقل تهیه اسباب سفر، دفتر مریضخانه، دفتر مدارس نظامی.

فقره پنجم - دایره توپخانه سه شعبه دارد: شعبه تجزیه، شعبه اسباب، شعبه محاسبات.

فقره ششم - دایره پیاده سه شعبه دارد: شعبه افراد، شعبه اسباب، شعبه محاسبات.

فقره هفتم - دایره مهندسی سه شعبه دارد: شعبه افراد، شعبه اسباب، شعبه محاسبات.

فقره هشتم - دایره مهمات چهار شعبه دارد: شعبه قورخانه، شعبه جباخانه، شعبه بار و طخانه، شعبه محاسبه.

فقره نهم - دایره محاسبه کلیه نظام شش دفتر دارد: دفتر خزانه، دفتر برات، دفتر مواجب، دفتر انعام و مستمری، دفتر مخارج متفرقه،

دفتر تفریق محاسبات.

فقره دهم - اجرای این قانون بر عهده وزیر جنگ است.

قانون سی و نهم بر ترتیب وزارت مالیات^۱

فقره اول - وزارت مالیات مرکب است از دایره مخصوص وزارت، دایره تقسیم مالیات، دستگاه وصول مالیات، دایره حواله، دایره خزانه دایره میزان، دستگاه استیفا.

فقره دوم - دایره مخصوص وزارت مرکب است: از دفتر برات، دفتر نوشتجات، دفتر ثبت، دفتر افراد، دفتر محاسبات وزارت.

فقره سوم - دستگاه وصول مرکب است از دایره ضرابخانه،

۱ - نظم لشکر منوط به ترتیب این دفاتر است والا ناصد سال دیگر هم اگر افواج علم نظر به چپ بیش فنک تحصیل بکنند باز مغلوب پنجهزار سرباز هندی خواهند بود. انگلیسها هند را بزور بیش فنک نگرفته اند بسته بآن علمی است که در ترتیب دستگاههای انسانی دارند.

کار پادشاه و سردار این نیست که خود را مشغول محاسبات جزئی و موکل مشق سرباز نمایند. رؤسای لشکر باید چنان اسبابی فراهم بیاورند که خواه خود مواظب باشند و خواه نباشند امور لشکر منظم باشد. این نوع اسباب به نظر اهل ایران محال می آید، اما مدتی است که سلاطین فنک این اسباب را پیدا کرده اند و نمونه اسباب ایشان این است که مختصراً عرض شد. مؤلف

۲ - بآنند تأمل ماموم میشود که وزارت مالیات مشکلترین وزارتهاست. رونق و گذران جمیع کارهای دولت بسته باخراجات لوازم آن کار است. اگر مالیات که هزار شعبه دارد منظم نشود سایر امور هم هرج و مرج خواهند شد. در این فصل کتابی نوشته بودیم من فقط تقسیم کلیه این وزارت را عرض میکنم. مؤلف

دایره گمرک، دایره مالیات مستقیم، دایره مالیات غیر مستقیم،^۱ دایره خالصجات، دایره موقوفات، دایره باروط، دایره تنباکو.

فقره چهارم - دایره خزانة دو دفتر وارد: دفتر دخل، دفتر خرج.
فقره پنجم - دستگاه استیفا بهیچوجه مداخله در عمل مالیات ندارد. کار دستگاه استیفا منحصر است بترتیب قواعد مالیه و مواظبت اجرای قواعد،^۲ و تحقیق کل محاسبات دولت. (ترتیب دستگاه استیفا از کارهای دول فرنگ است و قابل این است که شاهنشاه ایران ششماه اوقات خود را صرف تحقیق نکات این دستگاه فرمایند. در دولت فرانسه سالی چهارصد کروور عمل میشود و میتوان گفت امیر اطور از اوقات خود را در هر ماهی بیشتر از یک ساعت صرف محاسبه نمیکند و با وصف این یقیناً از این چهارصد کروور صد تومان تفریط نمیشود. ایران شش کروور مالیات دارد از اول سال تا آخر نصف بیشتر اوقات پادشاه و وزرا صرف محاسبه میشود. بهر گوشه که میرود میبینید نشسته اند و با کمال اضطراب حساب میکنند و باز در آخر، سال نلت مالیات تفریط شده است. در ایران اغلب وزرا مشغول این کارها هستند که در سایر دول مخصوص ادنی محرر استیفاست. تفریغ حساب فلان سلطان چه نسبتی بوزیر جنگ دارد و وزارت داخله کجا محاسبات استیفا کجا؛ سلطنت چه دخلی بتحقیق موجب نوکر دارد؛ وزرای ایران خیال میکنند که حسن کفایت این است که همه کار خود را خود بنفسه بکنند. آن

۱ - در هر مطلبی که مبرسم میبینم باید شرح مفصل بنویسم و از آن طرف بخواهم بر سر این مطالب معطل بشوم طرح اصلی کتابچه بکلی از میان میرود باین جهت اکثر مطالب را با اینکه میدانم کسی نخواهد فهمید بدون تفصیل میگنارم.

۲ - قواعد نه قوانین مؤلف مؤلف

معماری که عمارت بلور را ساخت قطعاً در حین کار دستکش سفید خود را از دستش بیرون نیارود ولیکن بیک معمار ایرانی اگر بگویند یک سر باز خانه بساز هیچ استبعاد ندارد که بجهت اظهار خدمت بیل و کلنگ دست بگیرد و پیشروی فعلیایقتند. از وزرا حیف که همین حالت را برای خود قرار داده عوض مهندسی اختیار فعلگی کنند.)

قانون چهل بر اصول قوانین وقواعد مالیه

فقره اول - هر سال وزیر مالیات بتوسط دایره تقسیم مالیات دستور العمل جمیع ولایات را مشخص خواهد کرد و حاصل کل مالیات را در میان هشت وزارت تقسیم خواهد نمود و برای هر وزارت یک کتابچه مخصوص مشتمل بر فصول و فقرات مخارج وزارت ترتیب خواهد داد و کل این تقسیمات و ترتیبات را بمجلس تنظیمات خواهد آورد.

فقره دوم - مجلس تنظیمات تقسیمات مالیات و فقرات مخارج وزارتها را تحقیق خواهد کرد و پس از تصحیح و امضای آن با امضای اعلیحضرت شاهنشاهی خواهد رسانید.

فقره سوم - پس از حصول امضای شاهنشاهی وزیر مالیات دستور العمل مالیات ولایات را بتوسط دایره وصول مجری خواهد داشت.

فقره چهارم - در هر ولایت یک نفر تحویلدار کل خواهد بود.

فقره پنجم - در هر ایالت یک نفر تحویلدار خواهد بود.

فقره ششم - در هر بلوک یک محصل باسه الی ده نفر فراش مالیه خواهند بود.

فقره هفتم - تحویلداران کل را خود اعلیحضرت شاهنشاهی تعیین خواهند فرمود .

فقره هشتم - تکالیف این مأمورین بحکم قوانین وقواعد مخصوص معین خواهد شد .

فقره نهم - حاصل کل مالیات ایران در تصرف وزیر مالیات خواهد بود .

فقره دهم - هر وزیری مخارج وزارت را موافق فقرات کتابچه خود در موعد معین برات خواهد کرد^۱

فقره یازدهم - برات وزرا کلا راجع بوزیر مالیات خواهد بود .

فقره دوازدهم - وزیر مالیات برات وزرا پس از تحقیق ممضی خواهد داشت و بدائره حواله خواهد فرستاد .

فقره سیزدهم - دایره حواله پس از تحقیق صحت برات و مطابقت آن با کتابچه وزارت ادای تنخواه آن را حواله بدایره خزانه خواهد کرد^۲

۱ - لازم نیست که پادشاه هر برات را سه دفعه ببیند و مهر بفرماید همه مخارج وزارت را سالی یکدفعه مهر میکند کافی است، راه سدتقلب این نیست که پادشاه اوقات خود را صرف تحقیق برات نمایند، این قوانین که عرض می کنم مجری بدارند دیگر بهیچوجه برات نگاه نکنند. هر گاه يك تومان تقلب بشود آنوقت بگویند که ضمانت تدابیر سه هزار ساله فرنگ بی معنی بوده است . مؤلف

۲ - واقعا چقدر غریب است که پادشاه ده دفعه بفرمایند که صد تومان بفلان شخص برسد و از برای این صد تومان چنددفعه برات مهر بکنند و بعد از شش ماه دوندگی باز درست وصول نشود هر گاه تنخواهیکه پادشاه حواله فرموده اند پس بدهند و اگر تنخواه موجود نیست حواله نکنند تا تنخواه برسد. صلاح این عیب بزرگ چندان تدبیری ندارد و نیخواهد انتظار ورود تنخواه را مبدل میکنند یا انتظار حواله گذشته از این يك تدبیر صکنی هم هست اگر معمول دارند مخارج معین دیوان دقیقه عقب نمی افتد . مؤلف

فقره چهاردهم - پس از تحقیق صحت برات وجه آنرا فوراً کارسازی خواهد کرد .

فقره پانزدهم - هر تنخواهی که وزرا موافق کتابچه خود برات کنند باید در دو ساعت وصول شود .

فقره شانزدهم - هر گاه وزیر مالیات قسط مخارج وزرا را در خزانه موجود نداشته باشد پیش از وقت بوزرا اعلام خواهد کرد که برات نکنند .

فقره هفدهم - هیچ وزیری نمیتواند در مخارج وزارت خود از تہسیمات و شرایط وزارت خود تجاوز کند .

فقره هیجدهم - در صورت ظهور مخارج فوق العاده موافق قانون هشتاد و دو بحکم فرمان مخصوص کارسازی خواهد شد .

فقره نوزدهم - دایره میزان مواظب صحت اعمال وزارت مالیات خواهد بود و دقیقه دخول و خروج وجوه خزانه را هر روز ثبت خواهد کرد

فقره بیستم - جمیع مستندات مالیه ماه به ماه بدایره استیفا فرستاده خواهد شد .

فقره بیست و یکم - کل محاسبات ایران باید در دستگاه استیفا تحقیق و تفریغ بشود .

فقره بیست و دوم - اجرای این قانون بر عهده وزیر مالیات است .

قانون چهل و یکم بروضع تعلیم ملی

فقره اول - در مالک ایران سه نوع مدرسه خواهد بود: مدارس تریه، مدارس فضلیه، مدارس عالیہ .

فقره دوم - علومی که در مدارس تربیه تعلیم میشود از اینقرار است: سواد فارسی، خط فارسی، حساب، تاریخ، جغرافیا، مقدمات هندسه، مقدمات طبیعی.

فقره سوم - علومی که در مدارس فضلیه تعلیم میشود از اینقرار است: علوم معانی بیان، حکمت، ریاضی، علوم طبیعی، علوم تاریخی، نقاشی و خطوط، علوم السنه.

فقره چهارم - مدارس عالیہ منقسم است بچهار مجمع: مجمع علوم ادبیه مجمع علوم حقوق، مجمع علوم عالیہ، مجمع علوم طبیعی، مجمع صنایع شریفه. فقره پنجم - در ضمن این سه نوع مدرسه از برای بعضی فنون مدارس مخصوصه خواهد بود، از قبیل مدارس نظامی، مدارس شریعه، مدارس معادن، مدارس تدریس، مدارس نقاشی، مدارس صنایع.

فقره ششم - در هر ناحیه لامجاله يك مدرسه تربیه خواهد بود.

فقره هفتم - در هر ولایت لامجاله يك مدرسه فضلیه خواهد بود.

فقره هشتم - مدارس عالیہ در مقرر سلطنت خواهد بود.

فقره نهم - مدارس عالیہ بدون شاگرد معین بر عموم مردم باز

خواهد بود.

فقره دهم - سالی دو بیست هزار تومان از وجوه موقوفات بتوسط

وزیر علوم صرف مدارس مزبوره خواهد شد.

فقره یازدهم - مجلس تنظیمات قانونی وضع خواهد کرد که بحکم

آن مخارج مدارس هر ولایت به تدریج از خود ولایت عاید بشود.

۱ - تفصیل زیاد لازم دارد شرح این مطلب مقتضی تحریر يك کتاب چسه

چداگانه است . مؤلف

فقره دوازدهم - شرح ترتیب این مدارس و طرح و قواعد آنها بر عهده وزیر علوم است.

فقره سیزدهم اجرای این قانون بر عهده وزیر علوم است.

قانون چهل و سه بر ترتیب وزارت دربار

قانون پنجاهم بر ترتیب و تکالیف مجالس اداره

فقره اول - در هر ولایت يك مجلس اداره خواهد بود.

فقره دوم - مجلس اداره مرکب است از والی، حاکم عدلیه،

کلاتر و دوازده نفر از معقولین اهل ولایت.

فقره سوم - کار مجلس اداره از این قرار است: تقسیم مالیات

بلوک، وضع قواعد ملکی، تدارک آذوقه ولایت، مواظبت ابنیه ملکی،

احداث ابنیه ملکی، مواظبت محبسها، تعیین تسعیر اجناس، ترتیب کوچها

و معابر عامه، مواظبت اجرای قانون.

فقره چهارم - رئیس مجلس اداره والی ولایت است.

فقره پنجم - مجلس اداره اختیار دارد که با اطلاع وزیر داخله

و باذن مجلس تنظیمات مالیات شهری قرار بدهد.

۱ - از آنجائیکه در ایران هیچ چیز را از هیچ چیز جدا نکرده اند اعمال این

وزارت را هم مخلوط عمل سایر وزارتها گذاشته اند و حال اینکه اول کاری که

در سلطنت باید کرد این است که عمل سلطنت را از عمل دولت جدا کنند و تا عمل

سلطنت منظم نباشد عمل دولت هیچ نظم نخواهد گرفت. در این باب شرح مفصلی

نوشته ام ولیکن بجهت بعضی اغراض شخصی خود در اینجا عرض نمیکنم. مؤلف

فقرة ششم - مجلس اداره هفته يك دفعه اقلا جمع خواهد شد.
 فقرة هفتم^{۵۵} - اجزای مجلس اداره را وزیر داخله سه سال بسه سال بحکم شاهنشاهی تجدید خواهد کرد.
 فقرة هشتم - اجزای مجلس اداره بجهة خدمات مجلس مواجب مخصوص نخواهند داشت.
 فقرة نهم - اجرای این قانون بر عهده وزیر داخله است.

قانون پنجاه و چهار بر دفع فقر ایران

فقرة اول - تاده روز دیگر یکنفر صاحب منصب قابل مأمور فرانسه خواهد شد که شش نفر مهندس طرق و دو نفر ناظم چیرخانه برای خدمت دولت ایران اخیر نماید.
 فقرة دوم - این هشت نفر مهندس (و ناظم) تا پنج ماه دیگر باید وارد طهران شده باشند.
 فقرة سوم - این شش نفر مهندس یکروز بعد از ورود خود بلا درنگ شروع خواهند کرد بساختن راه.
 فقرة چهارم - یکسال بعد از ورود مهندس باید بار تجارت از بندر ابوشهر با عراده در بیست روز به او اجیق و از مشهد در بیست روز ببغداد برسد.
 فقرة پنجم - شش ماه بعد از ورود دو نفر ناظم چیرخانه باید از پایتخت ایران بچهار سمت سرحدات ایران اقلا هفته یکبار در یکندقیقه معین بوسه راه بیفتند.

فقرة ششم - پوسته باید روییم رفته اقلا ساعتی دو فرسخ طی نماید.
 فقرة هفتم - بجهة اجرای این قانون در چهار قسط دو بیست هزار تومان بوزیر عمارت داده خواهد شد.
 فقرة هشتم - طرح و قواعد اجرای این قانون را وزیر عمارت بلا درنگ با اطلاع و تحقیق مجلس تنظیمات خواهد رسانید.
 فقرة نهم - اجرای این قانون بر عهده وزیر عمارت است.

قانون پنجاه و نه بر ترتیب ضرابخانه و کسور پول ایران

فقرة اول - در کل ایران یک ضرابخانه داخله خواهد بود.^۱
 فقرة بیستم - در دست هر کس پول کسر دیده شود شش ماه حبس خواهد بود.
 فقرة بیست و یکم - اجرای این قانون بر عهده وزیر مالیات است.

قانون شصت و هشت بر طریقہ بیع و شراة اموال دیوان

فقرة اول - عمال دیوان بجهة دیوان هیچ چیز نخواهند خرید و هیچ چیز نخواهند فروخت مگر اعلناً و بحکم شرایط هراج.
 فقرة دوم - هر عاملی که خلاف این قانون نماید خائن دولت است.^۲

۱ - سایر فقرات فراموش شده است . مؤلف

۲ - این فقرة که تفصیل زیاد لازم دارد بهترین سد تطلب است یعنی باید

سرش را بریده . مؤلف

قانون هفتاد و سه بر فروش املاك خالصه ديوان

فقره اول - املاك خالصه ديوان كلا موافق شرايط ذيل بافرا

رعيت فروخته خواهد شد.^۲

فقره دوم - اجراى اين قانون برعهده وزير داخله است

قانون هفتاد و چهار بر ترتيب بانك

فقره اول - يك كرور تومان از حاصل فروش املاك خالصه بوزير

تجارت داده خواهد شد كه يك بانك ملى ترتيب بدهد .

فقره دوم - كل سرمايه بانك دو كرور تومان خواهد بود .

فقره سوم - اين دو كرور تقسيم خواهد شد بده هزار سهم هر

كدام صد تومانى .

فقره چهارم - صاحبان اين ده هزار سهم صاحب بانك خواهند بود .

فقره پنجم - قواعد ترتيب بانك و شقوق اعمال اين دستگاه

بحكم قانون عليه معين خواهد شد .

فقره ششم - پول كاغذى بانك در ابتدا پنج كرور خواهد بود .

فقره هفتم - پول كاغذى بانك در مدت پنج سال از روى تناسب

سرمايه نقدى تا پنجاه كرور تومان برسد .

فقره هشتم - اجراى اين قانون برعهده وزير تجارت است ۱

۲- در اين باب نيز بايد كتابچه نوشته شود . مؤلف

۱- فهميدن اين قانون فوق مشكل تراست . عقل و تشخص ديگر به چوچه در

اين مسئله بكار نبيخورد هر كس دو سال بر همین مطلب درس خوانده است او خواهد

فهميد و بس . مؤلف

اين صد و هشتاد قانون را در يك هفته تمام كرديم و با مضى همايون

رساينديم . در مدت شش ماه چهار هزار قانون جمع كرديم . در ابتداء كار

وزرا در اجراى اين قانون اظهار بي ميلى و مخالفت مينمودند يكي از ايشان

آن سطر آخرى قوانين كه ميگويد اجراى اين قانون برعهده فلان

وزير است حرف بي معنى خيال كرد و قانون را چنانچه بايد مجرى نداشت .

مجلس تنظيمات پس از اثبات تقصير وزير حكم قوانين را موافق اشاره

شاهنشاهى در حق وزير مقصر جارى ساخت . بعد از اين مقدمه وزرا ديدند

كه ايام هرج و مرج و اشتباهكارى گذشته است علاوه بر اين اعليحضرت

شاهنشاهى يك تدبير كردند كه وزرا از خواب غفلت خود بيدار شدند .

چون سابقا وزراى ايران در مقابل خود هيچ حرفى نداشتند و تغيير وزارت

كار عمده محسوب ميشد وزراى منصوب بقاى منصب خود را يكنوع لزوم دولتى

قرار ميدادند و چنان وانمود ميكردند كه اگر ايشان نباشند امر دولت مختل

ميمانند بعضى مردم احق نيز اين ادعاى ايشان را قبول ميكردند و غالب وزراى

ايران براى ترقى دولت مانع كلّى شده بودند . اعليحضرت اقدس شاهنشاهى

اغلب وزرا را بدون كم التفاتى و در كمال احترام تا شش ماه متصل تغيير

و تبديل دادند بطوريكه بعد از ششماه در مقابل هر وزير منصوب پنج و

شش نفر وزير معزول و مستعد وزارت ايستاده بودند همين كه يك وزيرى

در اجراى قانون تنظيمات بقدر ذره اهمال ميكرد يا اينكه ميخواست مثل

وزراى سابق بناز و منت وزارت كنده همان ساعت معزول مى شد اين تدبير

اعليحضرت شاهنشاهى وزرا را چنان چابك و زيرك و مستعد خدمت كرده

بود حتى آن اشخاص كه سابقاً بصد كرشمه و ناز راه ميرفتند و بواسطه

وقر و استغناى مصنوعى خود خدمات ديوان را قابل اعتناى خود نمى

شمر دند با کمال میل واضطراب پی خدمات دیوان می دویدند و هر ساعت مصدر يك کفایت تازه می شدند در اجرای قانون بقدر ذره تخلف نمی شد و اجرای هر قانون منشأ هزار نوع فواید می گشت همان اشخاص که منکر و دشمن تنظیمات بودند و در عالم نادانی خود عبارت و الفاظ قوانین را تحقیر و استهزای کردند پس از اجرای آنها متحیر بودند که این الفاظ ساده که نه عربی بوده و نه مسجع متضمن چه اعجاز عظیمه بود، نمیتوان تقریر کرد تنظیمات جدید بر رونق ملک و جلال دولت بچه سرعت می افزود. تمامی ملک ایران را گویا بحکم ساحری مبدل بیک گلستان کردند خاطر دارم که در یکسال بیست و پنج کرور پشم بخارج فروخته شد، مالیات مازندران بهفت کرور رسید، در عربستان سالی پانزده کرور نیل و شکر بعمل می آمد، مالیات ابریشم دوازده کرور بوده. بواسطه استقرار دیوانخانها و مواظبت دستگاه ضبطیه امنیت بجائی رسید که همیشه پنجاه هزار غربا در ممالک محروسه در کمال آسودگی سیاحت میکردند. ترتیب مجالس ادارهها و استقرار مالیات شهری کل آن مقبرهای ذلت و کثافت که در ایران «شهر» می گفتند مبدل گردید بشهرهای عالی و بهشت آمین. از ظهور این واقعات چنان فرحی دست داد که از شدت ذوق سراسیمه از خواب بیدار شدم سه چهار نفر از رفقای باشعور خود وارد شدند رؤیای خود را از غایت شوق و تعجب بایشان نقل کردم همه گفتند که ظهور صدق این رؤیا در عهد چنین سلطان جوان بخت جای هیچ تعجب نخواهد بود قطعاً از رؤیای صادق است در این بین بورانی بادنجان و کباب جوجه آوردند همه گفتیم این نقد بگیر و دست از آن نسبه بدار.

رفیق و وزیر